



● تو عماد مغنیه هستی!

● انیس نقاش ●

جنگ‌های داخلی را عرضه نمی‌کردم، بلکه آن‌ها را برای مبارزه با صهیونیست‌ها آموزش می‌دادم. گوشزد هم می‌کردم که ما الان مبارزه نداریم و این آموزش‌ها را برای بعدها می‌بینیم. برنامه‌ریزی هم داشتم که مبارزات خود را به جنوب معطوف کنم. لذا تشکیلاتی از بچه‌های اردوگاه راه انداختم و پس از آرام شدن اوضاع لبنان، آن‌ها را به جنوب برده و علیه اسرائیل وارد جنگ کردم. عماد هم جزء این گروه بود. او دائم با من ارتباط می‌گرفت و فنون جنگی را می‌آموخت و بر تجربه‌اش می‌افزود.

نکته‌برداری می‌کرد. به جز او سه نفر دیگر هم این کار را انجام می‌دادند. یکی از آن‌ها «محرم عرفی» بود؛ دیگری رهبر گروه کمونیست‌ها و نفر سوم دکتری بود که فعالیت سینمایی می‌کرد و دوست داشت اطلاعاتش را در زمینه نظامی تکمیل کند. به مرور زمان من به عماد اختیار دادم که گروه خودش را آموزش بدهد. آن زمان لبنانی‌ها درگیر جنگ‌های داخلی بودند. به همین خاطر، جنوب لبنان از آرامش نسبی برخوردار بود و تفکر ضداسرائیلی هم در بین لبنانی‌ها غلبه کمتری داشت. من در کلاس‌ها به شاگردانم تاکتیک‌های نظامی در

سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) من عضو جنبش «فتح»^۱ به رهبری «یاسر عرفات» بودم و مسئولیت آموزش نیروهایی را بر عهده داشتم که در اردوگاه کوچکی در منطقه «دامور» در جنوب لبنان تشکیل داده بودم. در این اردوگاه من به عنوان فردی از «فتح» به افرادی که خارج از این جنبش بودند، آموزش نظامی می‌دادم. لذا گروه‌های مختلفی از قبیل مارکسیست‌ها، مائونیست‌ها، ناسیونالیست‌ها و گروهی هم از بچه‌های مسلمان و اخوان المسلمین در اردوگاه بودند و آموزش می‌دیدند.

اولین بار من عماد مغنیه را همین زمان ملاقات کردم. او که سنی در حدود ۱۶-۱۵ سال داشت، به سراغ من آمد و خودش و دوستانش را جزء گروه کوچکی از بچه‌مسلمان‌ها معرفی کرد. آن زمان در بیروت بیشتر گروه‌های مبارز، اعتقادات چپ و کمونیستی داشتند و تعداد افراد متدین خیلی کم بود. عماد به من گفت: «ما می‌خواهیم با اسرائیل بجنگیم. آیا به ما آموزش نظامی می‌دهید؟» وقتی قبول کردم، گفت: «آیا برای دیدن آموزش نظامی حتماً باید عضو فتح باشیم؟» گفتم: «نه، نیازی نیست.» عماد به همراه دوستانش که اکثرشان سن کمی داشتند، به اردوگاه آمدند. آن‌ها در یک مدرسه درس می‌خواندند و گروهی را به نام «شباب المسلم» (جوانان مسلمان) تشکیل داده بودند. آموزش‌ها آغاز شد. در این دوره چهل نفر از گروه‌های مختلف حضور داشتند. گروهی که عماد در آن بود، افراد متفاوتی اعم از شیعه و سنی بودند. طی ۱۵ روز، اسلحه و تاکتیک و جنگ غیرمقتارن و این‌طور مسائل آموزش داده شد. در حین کار متوجه شدم عماد با بقیه فرق می‌کند؛ چرا که او به یادگیری مسائل اهتمام زیادی داشت و در کارش بسیار جدی بود. بیشتر افراد حاضر در دوره نسبت به درس‌های تاکتیکی توجه کمی داشتند و در این فکر بودند که هرچه زودتر دوره تمام شود تا بتوانند اسلحه به دست بگیرند و شلیک کنند. در این بین، عماد مغنیه تمام حرف‌های مرا یادداشت و

۱. جنبش «فتح» با عنوان اصلی «حرکه التحریر الفلستینی» مهم‌ترین سازمان سیاسی - نظامی فلسطینی بود که در سال ۱۳۵۹ توسط چند جوان فلسطینی از جمله «یاسر عرفات»، تأسیس شد و تا اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی که در دام سازش با رژیم صهیونیستی گرفتار شد، عملاً سک‌دان مبارزات ضداسرائیلی در میان اعراب بود.